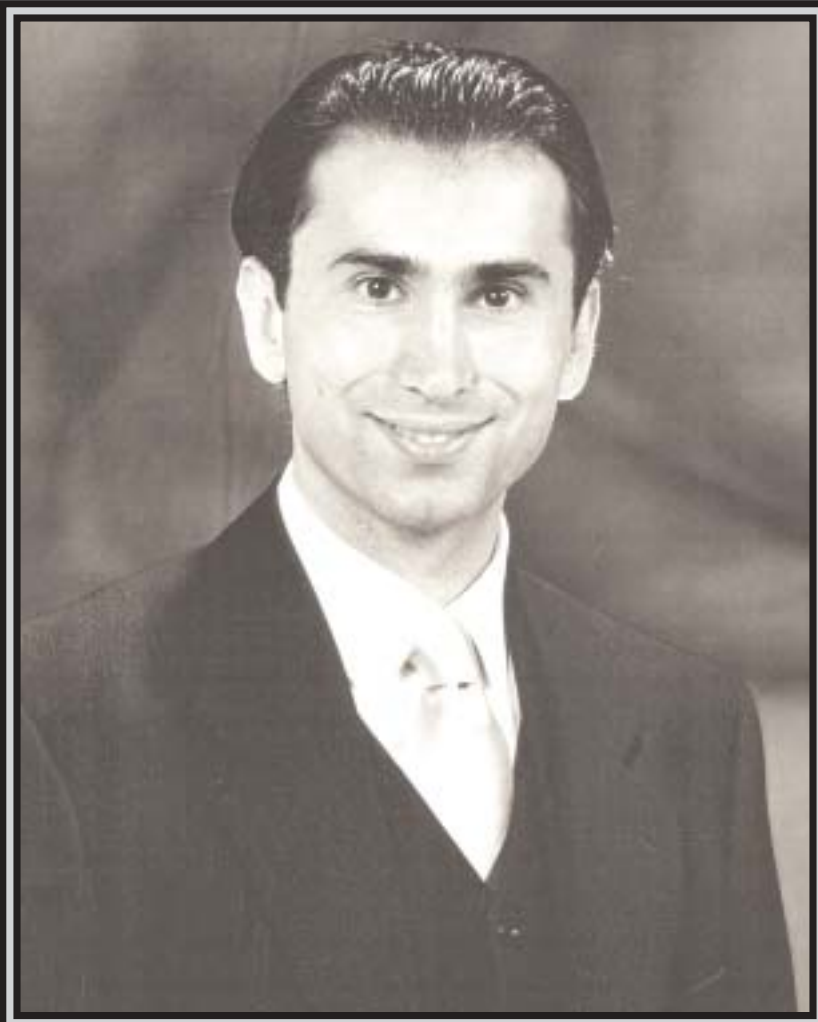


رادنی مصریانی و وکلا

Rodney Mesriani, Esq.



امور بازرگانی و دعاوی تجاری

Business Law

Business Litigation
Contracts & Agreements
Employer/ Employee Litigation &
Labor Disputes

Personal Injury

Social Security Hearings

آزار جنسی در محیط کار

Tel: (310) 826- 6300

Mesriani & Associates
ATTORNEYS & COUNSELORS AT LAW

12100 WILSHIRE Blvd, # 1600
LOS ANGELES .CA . 90025-7120

- تهیه و تنظیم قراردادهای تجاری
- دعوی شغلی و حقوق کارمندان

صدمات بدنی
(تصادفات و زمین خوردگی)

- دادگاههای سوشیال سکیوریتی

فرق میان یک دیکتاتور محبوب با یک دیکتاتور نامحسوب دو تصویر و یک تفسیر

- دو دیکتاتور، یکی در شرق و دیگری در غرب ایران بر سر قدرت تکیه زده اند.
- این دوگانگی در رفتارهای سیاسی و تضاد در برخورد با دیکتاتورها، فقط به عراق و پاکستان منحصر نیست.



این دو عکس را خبرگزاریها، همراه تعداد زیادی عکس های مشابه و مربوط به همین دو فرد، تقریباً هم زمان به سراسر دنیا مخابره کردند. زمان مخابره عکس ها نیمه اردیبهشت، و مناسب آن ها نیز برگزاری جشن های شصت و پنج سالگی صدام حسین و انجام همه پرسی در پاکستان برای ابقای حکومت نظامی ارتشبد مشرف بر این کشور بوده است.



سوابق و عملکرد این دو دیکتاتور بر همه روشن است. صدام خیلی خشن تر و بی رحمانه تر از فردی مانند میله سوویچ، که اکنون به اتهام جنایت جنگی و اقدام علیه بشریت محاکمه می شود، عمل کرده است. او در جنگ علیه ایران شیوه زمین سوخته را به کار گرفت و اولین کسی بود که برای نخستین بار پس از جنگ جهانی اول، در ابعاد وسیعی از سلاح های شیمیایی برای پیروزی در جنگ استفاده کرد و حتی از بمباران شیمیایی اتباع غیرنظامی کشورش (مردم شهر حلبچه) ابا نکرد. پس از حمله ارتش عراق به کویت که بهانه حضور دائم نظامیان غرب در خلیج فارس شد، همه گمان می کردند غریبان صدام را سرنگون خواهند کرد، اما نکردند. علت هم برای همگان مشخص است. وجود صدام بهترین بهانه برای استمرار حضور نظامی ارتش های غربی در منطقه، غارت منابع نفت و گاز و گرم نگهداشتن بازار فروش اسلحه است. تاریخ مصرف صدام برای غرب منقضی نشده بود و به نظر می رسد هنوز هم نشده است. بنابراین نباید تهدیدهای کنونی آمریکا برای سرنگونی وی را جدی گرفت.

صدام متهم است که هنوز به تولید سلاح های کشتار جمعی ادامه می دهد و همین اتهام بهانه ای است برای توجیه تحمیل فقر و گرسنگی ناشی از محاصره، اقتصادی عراق به مردم این کشور، که خود قربانی جاه طلبی های این خودکامه هستند.

اما آن یکی دیگر، یعنی ارتشبد مشرف، صاحب سلاح کشتار جمعی است. او بمب اتمی در اختیار دارد و عضو ارشد ارتشی بوده و هست که سازمان اطلاعاتی آن، حامی بن لادن و خالق طالبان و ملا عمر است. یعنی همان کسی که عاملین اصلی انفجارهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک و واشنگتن معرفی شده اند.

با تعاریفی که نظریه پردازان غرب از دموکراسی ارائه داده اند، ژنرال مشرف یک دیکتاتور نظامی است. او حکومت قانونی کشورش را ساقط کرد و تا زمانی که ماجرای ۱۱ سپتامبر پیش نیامده بود، ارتش تحت فرمان او همچنان به گروه طالبان و القاعده کمکی کرد. بنابراین ملاحظات پس از حوادث ۱۱ سپتامبر می باید او هم در کانون غضب آمریکاییان قرار می گرفت. اما کسی بر او خشم نگرفت، بلکه او را نوازش هم کردند، بالاترین مقامات آمریکایی را به دیدارش فرستادند و در واشنگتن هم پذیرای قدومش شدند.

دو دیکتاتور، یکی در شرق و دیگری در غرب ایران بر سر قدرت تکیه زده اند. یکی بمب اتمی ندارد (دست کم فعلاً ندارد) و به القاعده هم کمک نکرده. اما ملتی که تحت حاکمیت جابرانه او است باید گرسنگی بکشد و کودکانش را به دلیل سوء تغذیه و نبودن دارو از دست بدهد. آن دیگری که برخلاف معاهدات بین المللی بمب اتمی ساختن موشک های دور برد در اختیار دارد، محبوب غریبان و به ویژه آمریکایی ها و انگلیسی ها است. غربی ها حتی بر این واقعیت که شمال غربی این کشور مرکز اصلی تولید هروئین و مبداء حرکت کاروان های حامل تریاک، هروئین و مرفین است، چشم می پوشند.

این دوگانگی در رفتارهای سیاسی و تضاد در برخورد با دیکتاتورها، فقط به عراق و پاکستان منحصر نیست. در جای جای این جهان شاهد اعمال سیاست های متضاد مشابهی در مورد خودکامگانی که هیچ کدامشان عملکردی بهتر از میله سوویچ نداشته اند، هستیم. این تضاد را چگونه و با چه منطقی باید توجیه کرد؟

به دلیل آن که براساس نظریات گروهی از نظریه پردازان غربی، روشنفکران و نظریه پردازان ملل عقب نگه داشته شده، مانند ملت هایشان هنوز به بلوغ فکری نرسیده اند باید امیدوار بود افرادی همچون فرانسیس فوکویاما، ساموئل هانتینگتون، برنارد لوئیس و سایر کسانی که اخیراً اعلامیه تقدیس جنگ غرب علیه بدویت شرقی را امضا کرده اند و انتشار داده اند، برای رفع سرگیجه ناشی از این تضادها نیز یک مانفیست جانانه صادر کنند!!



دکتر منوچهر کیانی

■ اواسط مرداد ماه سال جاری، "جی. ام. ماده" وزیر کشاورزی زیمبابوه ضمن سفر به تهران و عقد توافقنامه، از کارخانه تراکتورسازی تبریز و به ویژه تراکتورهای سنگین با قدرت ۷۵ و ۱۱۰ اسب بخار به شدت نیازمند است... زیمبابوه ۱۰ میلیون هکتار زمین زراعی دارد و در ۱۰ سال آینده به دنبال استفاده از این زمین ها هستیم.

وی اضافه کرد: در صورت ایجاد خط مونتاژ تراکتور در زیمبابوه، این کشور آمادگی دارد تا تراکتورهای مورد نیاز کشورهای آنگولا، کنگو و موزامبیک را نیز تامین کند. مدیرعامل محترم شرکت تراکتورسازی تبریز نیز سخاوتمندانه و با بزرگواری در پاسخ وزیر کشاورزی زیمبابوه اعلام کرد، این شرکت برای تامین انواع تراکتورهای مورد نیاز بخش کشاورزی زیمبابوه و همچنین ایجاد خط مونتاژ تراکتور در آن کشور و رفع نیاز سایر کشورهای آفریقایی به تراکتور، آمادگی دارد!

حکومتی را از واقعیت ها دور کند تا مشکلات داخل کشور را نادیده انگارند! مدیر عامل شرکت تراکتورسازی تبریز هنگامی چنین سخن می راند و وعده تامین هزاران تراکتور سنگین را به وزیر کشاورزی زیمبابوه می داد، که در کشور خودمان عمر مفید ۶۳ درصد از تراکتورهای موجود به پایان رسیده و شاخص اسب بخار در هر هکتار از مزارع کشور از ۱/۶۵ در سال ۱۳۷۷ به ۱/۵۱ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است.

به علت کاهش مکانیزاسیون در

درصد از هدف برنامه سوم دست یافت! معهذاً باید در نظر گرفت که تولید تراکتور در سال گذشته یک رکورد در ده سال گذشته به حساب می آید، چون در سالهای پیشین تولید خیلی کمتر از سال قبل بوده و با اهداف برنامه پنج ساله فاصله زیادی داشته است.

از نظر اقتصادی، صادرات برای یک کشور موجب ایجاد درآمد و اشتغال می شود و مکانیسم آن دقیقاً برخلاف واردات که باعث کاهش درآمد ملی و از بین رفتن اشتغال

خود کشور ساخته می شود. ولی هنوز هم، هرچند ارقام آن منتشر نشده است، ارزیابی دارد!

۳- تراکتورهای مسی- فرگوسن که در تبریز مونتاژ - تولید می شوند از شهرت جهانی برخوردارند و از این جهت مورد توجه کشورهای جهان سوم، منجمله زیمبابوه قرار گرفته اند!

۴- اگر مازاد تولید تراکتور و سایر ماشین آلات کشاورزی داشتیم، صادرات آنها نه تنها

تراکتوری که به ایران رواست به زیمبابوه حرام است!

به علت کاهش مکانیزاسیون در کشاورزی، عملکرد در واحد سطح نیز نه تنها افزایش نیافته، بلکه نقصان هم نشان می دهد!

هنگامی که ما توانستیم در تولید تراکتور فقط به حدود ۴۴ درصد از هدف برنامه پنج ساله سوم دست یابیم و ۶۳ درصد تراکتورهای موجود عمر مفید خود را به پایان برده اند و کشاورزان باید سالها در صف بایستند تا بتوانند تراکتور نویی تحویل بگیرند

بلامانع بود، بلکه باید تمام کوشش های لازم را به کار می بستیم تا تولید اضافی را، یعنی آنچه در داخل به فروش نمی رود، صادر کنیم و آن هم چه بهتر به کشور دوست و تازه استقلال یافته ای، همچون زیمبابوه!

اما هنگامی که ما توانستیم در تولید



تراکتور فقط به حدود ۴۴ درصد از هدف برنامه پنج ساله سوم دست یابیم و ۶۳ درصد تراکتورهای موجود عمر مفید خود را به پایان برده اند و کشاورزان باید سالها در صف بایستند تا بتوانند تراکتور نویی تحویل بگیرند

و یا اینکه در سال گذشته به جای ۲۰ هزار و ۵۰۰ کمباین توانستیم فقط ۳۶ دستگاه کمباین تولید کنیم آن وقت چطور می خواهیم به کشورهای دیگر، منجمله زیمبابوه ماشین آلات کشاورزی صادر کنیم؟

خرید تعدادی از تولیدات که دارای شهرت جهانی هستند، نظیر مینی بوس، اتوبوس و کامیون بنز، ترن های باری و مسافری آلمانی، اتوبوس و کامیون ولوو و تراکتورهای مسی- فرگوسن که در ایران مونتاژ می شوند، همیشه مورد توجه کشورهای جهان سوم بوده است. چون آنها به جای اینکه ارز مورد نیاز را به کشور تولید کننده اصلی پرداخت کنند در صورت معامله با ایران، یا کالا تحویل می دهند (معامله پایاپای) و یا قیمت آن را جزء سایر طلب های ایران منظور می کنند!

می گردد، عمل می کند. هرچه صادرات یک کشور بیشتر و بر وارداتش فزونی داشته باشد، به همان نسبت درآمد ملی اش نیز بیشتر خواهد بود. کوشش خستگی ناپذیر کشورها، بخصوص ژاپن و چین در توسعه هرچه بیشتر صادراتشان به همین علت است.

البته این اصل در مورد صادرات کشور ما، منجمله صادرات تراکتور نیز صادق است و افزایش صادرات موجب ازدیاد درآمد ملی و کاهش آن سبب نقصان این درآمد می شود. معهذاً باید در صادرات این کالای خاص مسایلی را هم در نظر گرفت:

۱- صادرات تراکتور نظیر صادرات غیرنفتی دیگر همچون قالی و پسته و سالامبور نیست! یعنی به عبارت دیگر، کالایی نیست که بتوانیم به سادگی تولید کنیم و اضافه تولید هم داشته باشیم!

۲- این کارخانه تراکتورسازی قبل از انقلاب با زحمت زیاد و استفاده از روابط سیاسی به صورت کارخانه مونتاژ تاسیس شد و حالا پس از سالیان دراز، قطعات زیادی در

کشاورزی، عملکرد در واحد سطح نیز نه تنها افزایش نیافته، بلکه نقصان هم نشان می دهد! در مواردی که کشاورزان به مکانیزاسیون بالنسبه مطلوب دسترسی دارند، تولید در هکتار، تقریباً دو برابر متوسط میزان محصول در کشور است!

مدیرعامل محترم شرکت تراکتورسازی تبریز، در شرایطی می خواهد حتی برای



کشورهای آنگولا، کنگو و موزامبیک تراکتور تهیه کند و خط مونتاژ در زیمبابوه نصب نماید که شرکت خودش سخت دچار مشکلات مالی و ارزی است و به همین علت در سال گذشته به جای اینکه طبق برنامه پنج ساله سوم ۲۸ هزار و ۷۲۰ دستگاه تراکتور تولید کند، فقط ۱۲ هزار و ۶۱۳ دستگاه تراکتور ساخت و بدین طریق به ۴۴

اینکه مدیران عامل شرکت ها و مقامات مسئول دولت در برابر میهمانان خارجی، آن هم از قاره آفریقا چنین ژست های بزرگوارانه ای می گیرند، از نقطه نظر قواعد دنیای سیاست قابل درک و از جنبه انسانی مورد ستایش است، اما اینگونه قول و قرارها نباید کارگزاران